



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 16 Issue: 38

Spring 2025

Article Type: Research Article

Pages: 199-225

The Critical Essay on the Privatization of Education from the Perspective of the Constitution of the Islamic Republic of Iran

Seyyed Hossein Malakooti Hashjin¹| Yashar Rezazadeh²| Adel Ebrahimpour Asanjan³

1. Assistant Professor, Department of Law,, University of Tabriz, Iran (Corresponding Author)
malakooti@tabrizu.ac.ir
2. Master of Public Law, University of Tabriz, Iran
rezazadeh.yashar@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Law, University of Tabriz, Iran
brahimpooradel@tabrizu.ac.ir

Abstract

Education plays an important role in the development of the country. Therefore, the governments are obliged to have scales in their educational planning in such a way that they provide the appropriate quantity and quality of education. In this regard, the right to access educational facilities at the same level and away from unfair discrimination can be considered as the foundation of educational justice. Access to the right to educational facilities of equal level should be more widespread in all educational levels than material facilities and competent human resources. In the 19th and 20th principles of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, by recognizing the dignity and equal rights of all, it specifies the equality of the general public before the law, and this means that undue discrimination must be removed in all human affairs, including educational issues. Therefore, the government does not have the right to discriminate among the people of the nation. In this regard, according to Article 30 of the Constitution, which provides free education for all people, private schools not only contradict the principles and principles of the basic principles-which is the negation of unjust discrimination - it causes that expand There is a class gap in the society and it can limit the desirable educational facilities to those with financial resources. This article made an analytical and critical look at the establishment of non-government schools within the framework of the Selassie Law of the Islamic Republic of Iran and concluded that according to the Constitution of the Islamic Republic of Iran, the establishment of private schools is not justified despite educational inequalities with public schools.

Keywords: Educational System, Unfair Discrimination, Constitution, Specialized Schools- Public Schools.

Received: 2025/03/05

Received in revised form: 2025/05/17

Accepted: 2025/06/03

Published: 2025/06/07

DOI: 10.22034/law.2025.40902.2670

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir





جستاری انتقادی بر خصوصی سازی آموزش و پرورش از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

سید حسین ملکوتی هشبجین^۱ | یاشار رضازاده^۲ | عادل ابراهیم پور استنجان^۳

malakooti@tabrizu.ac.ir

rezazadeh.yashar@yahoo.com

ebrahimpooradel@tabrizu.ac.ir

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز، ایران

۳. استادیار گروه حقوق دانشگاه تبریز، ایران

چکیده

آموزش و پرورش در توسعه کشور نقش بسزایی دارد. از این رو، دولت‌ها مکلفاند در برنامه‌ریزی‌های آموزشی موازینی را لحاظ دارند، به نحوی که کمیت و کیفیت مطلوب آموزشی تأمین گردد. در این راستا حق بر دسترسی برابر به امکانات آموزشی هم سطح و دور از هرگونه تبعیض ناروا را می‌توان زیربنای تحقق عدالت آموزشی دانست. برخورداری از حق بر دسترسی به امکانات آموزشی برابر و هم سطح باید در کلیه ابعاد آموزشی از جمله امکانات مادی و نیروی انسانی کارآمد و شایسته نیز تسری یابد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول نوزدهم و بیستم با قائل شدن منزلت و حقوق برابر برای همگان، به تساوی عموم در برابر قانون تصریح دارد و این به آن معناست که باید تبعیض ناروا در تمام شئون انسانی از جمله در مسائل آموزشی از میان برداشته شود. بنابراین، دولت حق ندارد هیچ گونه تبعیضی بین افراد ملت قائل شود. در این راستا، مطابق اصل سی‌ام قانون اساسی که آموزش و پرورش را برای همه مردم به صورت رایگان مقرر داشته است، تأسیس مدارس خصوصی به نحوی که در حال حاضر اجرا می‌شود، نه تنها با اهداف و اصول قانون اساسی - که مشعر بر نفی تبعیضات ناروا است - مغایرت دارد، بلکه به گسترش شکاف طبقاتی در جامعه منجر شده، برخورداری از امکانات مطلوب آموزشی را به دارندگان تمکن مالی محدود می‌کند. این نوشتار با نگاهی تحلیلی - انتقادی تأسیس مدارس غیردولتی را در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بررسی کرده و به این نتیجه رهنمون شده است که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تأسیس مدارس خصوصی به شکلی که هم‌اکنون در کشور انجام می‌شود به دلیل ایجاد نابرابری‌های آموزشی به هیچ عنوان موجه نیست.

واژگان کلیدی: تبعیض ناروا، قانون اساسی، مدارس خصوصی، مدارس دولتی، نظام آموزشی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

DOI: 10.22034/law.2025.40902.2670



law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

امروزه ارائه خدمات عمومی از عناصر مشروعیت بخش دولت‌ها به شمار می‌آید. بر این اساس، تأمین نیازهای اساسی جامعه جزء تکالیف دولت بوده، حکومت مکلف است به نحو برابر و بی هیچ تبعیضی خدمات عمومی را برای شهروندان خویش فراهم کند.^۱ از نمونه‌های بارز ارائه خدمات عمومی، تأمین حق بر آموزش برای اتباع یک کشور است، ولی در حقوق موضوعه ایران تعریفی از حق بر آموزش ارائه نشده است. در واقع، قانون‌گذار آموزش را امری بدیهی تلقی کرده، ریشه‌کن کردن بی‌سوادی و ارتقای آگاهی‌های عمومی را از اهداف والا و اصلی آموزش و پرورش محسوب نموده است. به هر حال، بعد از انقلاب اسلامی، آرمان‌گرایی انقلابی توجه به حقوق بنیادین بشری، مانند حق بر آموزش را در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی به دنبال داشت. تدوین‌کنندگان قانون اساسی با در نظر گرفتن پیشینه آموزش و پرورش در کشور و اهمیت آن با دقت نظر بیشتری حق بر آموزش را در پیش‌نویس قانون اساسی متبلور ساختند. در این راستا پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت جمهوری اسلامی ایران را مکلف می‌کرد که آموزش و پرورش را برای همه اقشار کشور به نحو مساوی فراهم کند.^۲ درج لفظ «باید» در اصل دهم پیش‌نویس قانون اساسی را می‌توان مؤید تکلیف دولت در تأمین وسایل و امکانات آموزشی و اجرای حقوق مردم در خصوص آموزش تلقی نمود، بنابر پیش‌نویس یادشده، حق آموزش، قابلیت مطالبه‌گری موکدی پیدا کرده است. بر این اساس، دولت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف مقرر در اصل دوم (پایه‌های ایمانی جمهوری اسلامی ایران، استفاده از علوم بشری، نفی ظلم و ستم، تأمین عدالت، استقلال و همبستگی ملی) موظف است تا همه امکانات خود را برای این امور به کار گیرد: «... ۲- بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها ۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی ۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی و فنی... ۹- رفع

۱. محمدجواد رضایی‌زاده و داود کاظمی، «بازشناسی نظریه خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۵ (۱۳۹۱)، ص ۲۴.

۲. اصل دهم پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌ها و...^۳. همچنین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برابری حقوق همه افراد ملت، در برخورداری از کلیه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تضمین^۴ و مقرر شده که دولت موظف است تا آموزش و پرورش رایگان را برای همه افراد ملت از مقطع ابتدایی تا پایان دوره متوسطه فراهم ساخته، وسایل تحصیلات عالی را نیز تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.^۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جهت تأمین استقلال اقتصادی جامعه، ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسانی، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را بر اساس ضوابطی استوار کرده است که در آن آموزش و پرورش جزء نیازهای اساسی به‌شمار می‌آید.^۶ تأمین این نیاز اساسی برعهده دولت قرار گرفته و توجه ویژه به آموزش و پرورش از اهداف کلان و والای نظام جمهوری اسلامی ایران دانسته شده است. شاید بتوان تأکید بر آموزش و پرورش رایگان در قانون اساسی را مؤید این امر دانست که خصوصی بودن آموزش می‌تواند موجبات نابرابری در جامعه را دامن زند. هرچند خصوصی بودن امور آموزشی می‌تواند از هزینه‌های مالی دولت بکاهد، با این همه نمی‌تواند به‌طور کلی سلب مسئولیت از دولت در امر آموزش را توجیه نماید.

بی‌گمان هدف بخش خصوصی همانند دیگر عرصه‌های فعالیت اجتماعی، تحصیل سود و منفعت بوده، این هدف انتفاعی بخش خصوصی را نمی‌توان با هدف دولت که تأمین تعلیم و تربیت و سازندگی روحی دانش‌آموزان است سازگار دانست.^۷ پرسش اساسی نوشتار حاضر این است که آیا خصوصی‌سازی آموزش و پرورش با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطابقت دارد؛ و از آنجایی که وظیفه بررسی انطباق قوانین عادی با قانون اساسی برعهده شورای نگهبان است، لذا رویکرد نهاد یادشده نیز مورد ارزیابی و بررسی واقع می‌شود. فرضیه این نوشتار بر این امر استوار است که خصوص‌سازی آموزش و پرورش با روح برابری و تساوی طلبانه قانون اساسی سازگار نیست. برای نیل به این فرضیه، در بخش اول در خصوص تکلیف قانون اساسی

۳. اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸.

۴. همان، اصل بیستم.

۵. همان، اصل سی‌ام.

۶. همان، بند ۱ اصل چهل و سوم.

۷. فخرالسادات هاشمیان و همکاران، «تحلیل مشارکت بخش خصوصی در نظام آموزش و پرورش»، سیاست‌های راهبردی و کلان، ش ۱۲ (۱۳۹۴)، ص ۲۲.



به دولت جمهوری اسلامی برای آموزش شهروندان بحث شده و در بخش دوم، جایگاه آموزش و پرورش و ابعاد مختلف آن در حقوق موضوعه ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است. در بخش سوم به لزوم و دلایل ایجاد مدارس غیرانتفاعی در کشور پرداخته می شود. پس از تحلیل انتقادی دیدگاه شورای نگهبان در خصوص اصل سی ام قانون اساسی و قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی، در بخش چهارم این نوشتار، نتیجه گیری از مباحث یادشده ارائه خواهد شد.

۱. تکلیف آموزشی دولت جمهوری اسلامی ایران

جایگاه حق در جامعه، تعیین کننده امتیازات و صلاحیت ها است. هرگونه ابهام در جایگاه حق یا چینش نامناسب آن، انتظارات متقابل اجتماعی نابجا، اعم از واقعی یا غیر واقعی، سردرگمی اجتماعی، احساس بی عدالتی و نفاق اجتماعی را به همراه می آورد^۸ و تکلیف بیشتر در روابط بین دولت و مردم مطرح و ایجاد می شود. در این خصوص گاهی دولت حقی دارد و مردم در برابر آن مکلف هستند، مثل انجام دادن خدمت نظام وظیفه، و گاهی هم برعکس؛ یعنی مردم دارای حقی در برابر دولت هستند و دولت مکلف به رعایت و اجرای آن حقوق است.^۹

مطابق اصل دوم قانون اساسی، یکی از تکالیف دولت، قانون گذاری به نحوی است که عدالت اجتماعی مستقر شود. اصل سوم قانون اساسی نیز در راستای تحقق اهداف یادشده در اصل دوم قانون اساسی، دولت را مکلف کرده است که همه امکانات خود را به کار گیرد. در خصوص آموزش، ازجمله تکالیف دولت در اصل سوم بندهای سوم و چهارم است که طبق این بندها فراهم نمودن آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای کلیه افراد، تسهیل و گسترش و توسعه آموزش عالی در تمامی سطوح، همچنین تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق پژوهشگران برعهده دولت گذاشته شده است. رشد و ارتقای فکری از لوازم و مقدمات ضروری حکومت های مردمی است. اگرچه در این زمینه در بند دوم اصل سوم آمده است که بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در تمامی زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی ...

۸. عباس کریمی و آزاده چلی، «معرفی و بسط نظریه تحلیلی هوفلد از حق و کاربرد آن در زمینه حقوق کودک»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۳۸ (۱۳۸۷)، ص ۲۱۲.

۹. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۸۰، ۱۳۹۰)، ص ۲۵۲.

برعهده حکومت است، اما ایفاکننده نقش اصلی در ارتقا و رشد فکری مردم، نهاد آموزش و پرورش است. به همین دلیل و در راستای اصل دوم و بندهای مصرح اصل سوم، قانون‌گذار با دقت نظر به اهمیت آموزش و پرورش از لحاظ جنبه‌های فردی و اجتماعی و نقش آن در رشد و پیشرفت کشور، توجه ویژه‌ای به آن داشته و اصل مستقل و مجزایی را به آن اختصاص داده است که این اصل، دولت را به تأمین وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه مکلف کرده است. همچنین تأمین و تعمیم وسایل تحصیلات عالی نیز تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان برعهده دولت گذارده شده است.^{۱۰} دولت در جهت حمایت از حقوق افراد و همچنین تأمین نیازهای جامعه مسئولیت‌هایی دارد و موظف است برای مصلحت جامعه و با تأسیس نهاد آموزش و پرورش بنیادهای لازم برای ارتقای اجتماع را فراهم کند. در این خصوص می‌توان به نظر ارسطو استناد جست که آموزش را وظیفه دولت دانسته، قانون‌گذار را مکلف به تربیت افراد شریف از طریق آموزش می‌داند.^{۱۱} در مورد حق بر آموزش می‌توان این پرسش‌ها را مطرح نمود؛ تعلیم و تربیت حق و اختیار است یا تکلیف و اجبار؟ آیا این حق تکلیف فردی است یا جمعی؟ آموزش افراد امری خصوصی است یا عمومی؟ حکومت مکلف به آموزش افراد است یا چنین تکلیفی ندارد؟ وقتی از منظر فردی به جایگاه تعلیم و تربیت نگریسته می‌شود، این فرد و خانواده هستند که صاحب حق و تکلیف‌اند و لذا به‌طور کلی مسئولیت اولیه و اصلی تعلیم و تربیت فرزندان برعهده والدین است و در این میان، دولت نقش نظارتی و مکمل دارد. ولی وقتی که از ایفای جنبه اجتماعی حق بر آموزش صحبت می‌شود، در این صورت، این امر باید با مسئولیت ارکان تعلیم و تربیت و همه نهادهای سهیم صورت پذیرد که آن هم در تربیت رسمی و عمومی، مسئولیت اصلی برعهده حاکمیت بوده، این بار والدین هستند که نقش ناظر و مکمل خواهند داشت.

اندیشمندان غربی معتقدند که میان سطح تحصیلات اشخاص در جامعه و قابلیت آن جامعه برای حفظ نظام دموکراتیک حکومت، نوعی همبستگی وجود دارد. همچنین برای پیشرفت صنعتی، بهداشتی و دفاعی، داشتن یک سازمان فعال و موفق آموزش و پرورش، شرط لازم و ضروری

۱۰. اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸.

۱۱. ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۲، ۱۳۴۹)، ص ۳۲۹.

تلقی می شود. به همین سبب، دولت هایی که در صحنه رقابت های بین المللی در صدد ارتقای جایگاه خود در عرصه های علمی، فنی، اقتصادی، صنعتی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و دفاعی هستند، بیشترین اهتمام خویش را به توسعه کمی و کیفی آموزش و پرورش اختصاص می دهند.^{۱۲}

۲. جایگاه آموزش و پرورش در حقوق موضوعه ایران

آموزش و پرورش بستر اصلی توسعه و گسترش نظام ارزشی هر جامعه است. در جامعه اسلامی کانون گسترش ارزش های اجتماعی، آموزش و پرورش بوده، برقراری عدالت نیز عاملی برای اهتمام حکومت به آموزش و پرورش است. این نهاد به دلیل اهمیت آن داخل در حوزه دولت ها و زمینه ساز برخورداری از بسیاری حقوق دیگر است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن اهمیت و ابعاد مختلف اثرگذاری آموزش و پرورش در شناسایی و تضمین اساسی حقوق آموزشی، دولت را موظف نموده است تا برای نیل به اهداف و پایه های ایمانی و آرمانی نظام جمهوری اسلامی، همه امکانات خود را برای تأمین آموزش و پرورش رایگان در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه ها به کار گیرد. در قانون یادشده، حق آموزش و پرورش دینی برای پیروان مذاهب اسلامی و پیروان ادیان دیگر، آزادی استفاده از زبان های محلی در مطبوعات و رسانه ها و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی، برابری حقوق همه افراد ملت در بهره مندی از کلیه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده و دولت موظف شده است که وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم ساخته، وسایل تحصیلات عالی را نیز به طور رایگان گسترش دهد.^{۱۳} اصول رایگان بودن آموزش و اجباری بودن آن، به یکدیگر وابسته هستند. وقتی دولتی به موجب قانون موظف می شود تا آموزش رایگان ارائه بدهد، حضور دانش آموزان در محل آموزشی را نیز باید اجباری سازد. اجباری بودن آموزش مستلزم آن است که نخست، آموزش اجباری فقط تا سن و یا مقطع معینی اجباری باشد و دوم اینکه، نه تنها اخذ هرگونه هزینه های ثبت نام و تحصیل در سطوح آموزش ابتدایی از اولیای دانش آموزان را ممنوع باشد، بلکه باید با ارائه خدماتی نظیر هزینه رفت

۱۲. محمد سروش، «مسئولیت حکومت اسلامی در آموزش و پرورش رسمی»، تربیت اسلامی، ش ۵ (۱۳۸۶)، ص ۶۶.

۱۳. اصول سوم، دوازدهم، سیزدهم، پانزدهم، نوزدهم، بیستم و سی ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸.

و آمد دانش‌آموزان به محل تحصیل، تغذیه و تفریحات جالب، انگیزه کودکان به حضور در مدارس را افزایش دهد.^{۱۴} طبق اصل سی‌ام قانون اساسی، آموزش بایستی رایگان باشد، اما در سال ۱۳۶۷ «قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی» تصویب شد که با توجه به رایگان نبودن این مدارس، بحث‌های چالش‌برانگیزی به وجود آمد؛ بنابراین لازم است تا اصل سی‌ام قانون اساسی از ابعاد مختلفی که در مشروح مذاکرات قانون اساسی به آن پرداخته شده است، مورد مذاقه قرار گیرد.

۱.۲. آموزش و پرورش به مثابه یک حق

در اصل سی‌ام قانون اساسی درج عبارت «دولت موظف است...»، دولت را مَنْ عَلَيْهِ الْحَق قرار داده است؛ یعنی آموزش و پرورش حق ملت شناخته شده است و دولت نیز در برابر این حق، تکلیف دارد که آن را محترم شمرده، حقوق ملت را در این خصوص اجرا کند؛ چراکه نمی‌شود مَنْ عَلَيْهِ الْحَق وجود داشته باشد، اما صاحب حقی که اجرائیش را مطالبه کند وجود نداشته باشد. تأیید بعدی برای حق ملت بر آموزش، این است که قبل از تنظیم اصل سی‌ام قانون اساسی با عبارات فعلی، عبارت «برخورداری از این^{۱۵}، حق همه ملت است» نوشته شده بود، اما مطابق مذاکرات میان واضعان قانون اساسی، به دلیل مشکل بودن تنظیم عبارت یادشده در این اصل، به صورت کنونی تنظیم شده است.^{۱۶}

۲.۲. رایگان بودن آموزش

در تنظیم اصل سی‌ام قانون اساسی، عبارت «... آموزش و پرورش رایگان...» آمده که با عنایت به تصریح همین اصل، دولت مکلف است حقی را که ملت بر آموزش دارند به‌طور رایگان تا پایان مقطع متوسطه در اختیار آنان قرار دهد. برخی اشکال وارد می‌کنند که قبل از این اصل هم بارهای سنگینی از جمله تأمین مسکن برای همه ملت بر دوش دولت گذاشته شده است اینک تأمین و فراهم نمودن وسایل و امکانات و آموزش و پرورش رایگان از سوی دولت باید با شرط

۱۴. باقر انصاری، حق آموزش حق کودک به آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر، (تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش، چ ۱، ۱۳۹۳)، ص ۲۹۸.

۱۵. یعنی آموزش و پرورش.

۱۶. بی‌نا، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای، ۱۳۶۴)، ص ۸۰۴.



ملاحظه قدرت و توانایی کشور نوشته شود. در جواب آن، نایب رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی با این استدلال که که شرط قدرت و توانایی برای انجام هر چیزی - آن‌طور که در فقه هم آمده است - مفروض و ملحوظ بوده، در انجام هر چیزی ساری و بدیهی است، آوردن این قید در اصل سی‌ام را ضروری ندانسته‌اند.^{۱۷} اما باید اذعان داشت که سقف تعهدات دولت تا پایان مقطع متوسطه نشان‌دهنده نگاه «سرمایه‌گذاری اجتماعی» واضعان قانون اساسی به آموزش و پرورش است، نه اینکه آن را امری هزینه‌بر و باری برای دولت تلقی کرده باشند. سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی کارآمد نوعی تولید ثروت آینده‌نگرانه است. از این رو با استناد به بند سوم اصل سوم قانون اساسی نیز می‌توان گفت که دولت مکلف به استفاده از تمامی امکانات خود برای فراهم کردن آموزش و پرورش رایگان شده است. دولت در بند سوم اصل سوم قانون اساسی تعهدات گسترده‌تری نسبت به اصل سی‌ام قانون اساسی در خصوص تأمین آموزش و پرورش رایگان دارد. بنابراین نمی‌توان به تعهدات حداقلی دولت قائل شد و دولت نیز نمی‌تواند از زیر بار این تعهدات شانه خالی کند. لکن کلیه کودکان کشور باید بدون کوچکترین هزینه‌ای بتوانند از این حق خویش در بهره‌مندی از آموزش باکیفیت و رایگان برخوردار شوند. در این اصل، تکلیف دولت منوط به توانایی و قدرت مالی دولت نیست و در این راستا تکلیف دولت منجز و مشخص است. لکن درست است که دولت به اندازه قدرت مالی و توانایی خود می‌تواند به این تکلیف عمل کند و شرط توانایی و قدرت شرط عقلی برای انجام دادن هر کاری است، اما در ارتباط میان دولت و ملت، به صورت حق و تکلیف مطرح بوده، قانون انتظارات مشروعی را برای مردم ایجاد کرده است. بنابراین در صورتی که قدرت و توانایی و منابع مالی دولت برای انجام تکلیف قانونی مقرر در اصل سی‌ام قانون اساسی کافی نباشد، دولت موظف است تا با برنامه‌ریزی و تلاش در این راستا، منابع مالی و توانایی کافی و لازم را برای انجام وظیفه اش کسب کند. در مشروح مذاکرات قانون اساسی در تبیین بند سوم اصل سوم نیز نایب رئیس قائل به این است که ارائه آموزش و پرورش باید تا سطح عالی هم به صورت رایگان باشد.^{۱۸} اما آموزش و پرورش عالی (تحصیلات دانشگاهی) رایگان در اصل سی‌ام، با هدف و در چارچوب تأمین نیازهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی داخل کشور صورت گرفته است.

۱۷. همان، ص ۷۸۷-۷۸۸.

۱۸. همان، ص ۲۹۳؛ همچنین نک: علی داریایی، علی مشهدی و صدیقه قارلقی، «تأملی بر مفهوم برابری در اندیشه خبرگان قانون اساسی (۱۳۵۸)»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۲۵ (۱۴۰۰)، ص ۱۲۰.

۳.۲. تحدید حق بر آموزش همگانی رایگان در قانون عادی

در مشروح مذاکرات قانون اساسی وقتی اعضای مذاکره‌کننده در مورد اینکه آیا با توجه به صراحت اصل سی‌ام قانون اساسی مبنی بر رایگان بودن آموزش و پرورش، مشکلی در راه تأسیس مدارس خصوصی، ملی و غیررایگان در آینده ایجاد می‌شود یا خیر، در جواب این مسئله استدلال می‌کنند که اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند؛ یعنی وقتی رایگان بودن مدارس را طبق قانونی برعهده دولت قرار داده، بر ذمه دولت ثابت می‌شود، این به معنای نفی دیگر روش‌های تحصیل و تأسیس و اداره مدارس با هزینه‌های غیردولتی نیست. بنابراین اشخاص در آینده می‌توانند مدارس غیردولتی با هزینه خودشان تأسیس کنند.^{۱۹}

اما از واضعان قانون اساسی بعید است که بند نهم اصل سوم مبنی بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه...» را فراموش کرده، از تبعات تأسیس مدارس خصوصی غافل باشند. چراکه در فرضی که مدارس غیرانتفاعی دارای امکانات بیشتر و سطح کیفی آموزشی بهتری نسبت به مدارس دولتی باشد، افرادی که توان مالی بیشتری داشته باشند به سطح آموزشی بهتری نیز دسترسی خواهند داشت و افراد با درآمد کمتر از این سطح آموزشی بی‌بهره خواهند ماند و این درواقع خلاف اصل برابری مصرح در قانون اساسی است؛ در صورتی که این تبعیض، نابرابری و بی‌عدالتی در قانون اساسی با توجه به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی نفی شده است.

مسئله دیگری که به صورت غیرمستقیم در مشروح مذاکرات قانون اساسی در خصوص تأسیس مدارس غیرانتفاعی مورد اشاره قرار گرفته، آزادی انتخاب مدارس از سوی والدین کودکان است که بنابه مصالحی بتوانند کودکان خود را در مدارس خصوصی به تحصیل بپردازند؛ به تعبیر دیگر، قادر باشند نحوه آموزش و حتی برخی محتوای آموزشی را برای فرزندان خود به صورت اختیاری انتخاب نمایند. در خصوص لزوم درج آزادی آموزش در اصول قانون اساسی استدلال می‌شود که تأسیس مدارس ملی (یعنی غیردولتی) که با امکانات مالی و انسانی خود اشخاص تشکیل می‌شود، آزاد است و نیازی به تصریح آن در قانون اساسی وجود ندارد.^{۲۰} این

۱۹. همان، ص ۷۸۷.

۲۰. همان.

درست است که مسئله تأسیس مدارس غیرانتفاعی، نه تنها با آزادی آموزش و پرورش مطابقت دارد، بلکه دانش‌آموزانی که در مدارس خصوصی تحصیل می‌کنند می‌توانند در پیشرفت کشور نقش اساسی ایفا کنند، اما به سبب جداسازی آموزشی این امکان وجود دارد که دانش‌آموختگان در این مدارس ارتباط عمیق با جامعه را ازدست داده، نتوانند مسائل واقعی را در سطح جامعه و نظام آموزشی به درستی درک کنند و در آینده که این اشخاص تصمیم‌گیران و مدیران کشور خواهند بود، برداشت صحیح و کاملی از نظام اجتماعی جامعه خویش نداشته باشند. از سوی دیگر، تبعیضات ناروای آموزشی می‌تواند زمینه‌ساز سایر تبعیضات و نیز اختلافات در جامعه بوده، عدالت آموزشی نیز قربانی آزادی انتخاب آموزش و پرورش شود؛ مگر اینکه دولت بودجه صرفه‌جویی شده را با برنامه‌ریزی صحیح و هدایت از طریق تأسیس مدارس غیردولتی در جهت ارتقای کیفی مدارس کم‌برخوردار و ایجاد عدالت آموزشی هزینه نموده، شرایط برابری را برای رقابت سالم فراهم آورد.

برخی بر این باورند با اینکه روح اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انحصار در نوع آموزش را افاده نمی‌کند و آزادی مردم را برای داشتن مدارس غیردولتی و استفاده از آن محدود نمی‌کند، ولی با توجه به نابرابری درآمد دهک‌های بالا و پایین جامعه، اکثریت مردم قادر به تأمین هزینه‌های آموزشی فرزندان خویش نیستند و این مسئله به محرومیت عده زیادی از تحصیل منجر می‌شود و آثاری همچون پیدایش تبعیض آموزشی و ایجاد شرایط آنومیک، تهدید طبقاتی شدن افکار و رفتار جامعه با ایجاد مدارس نابرابر، پیدایش ناهنجاری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خواهد داشت. عواقب یادشده ازدست رفتن امنیت تربیتی را که ناشی از طبقاتی شدن جامعه و محرومیت عده‌ای از تحصیل است به دنبال خواهد داشت.^{۲۱} با وجود این، دولت می‌تواند با صرفه‌جویی در هزینه‌های آموزشی از طریق ایجاد مدارس غیرانتفاعی، نسبت به ارتقای سطح و کیفیت آموزش در مدارس دولتی اقدام نموده، نابرابری ایجادشده را به نوعی جبران نماید. حتی می‌تواند یارانه آموزشی را به صورت مستقیم به اولیا پرداخت کند تا آنها این اختیار را داشته باشند که این یارانه مستقیم آموزشی را در مدارس دولتی یا غیردولتی هزینه نمایند. نمونه موفق این تجربه را می‌توان در کشور گرجستان که از سال

۲۱. حسین مهرپور، رئیس‌جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی، ج ۲، (تهران: اطلاعات، چ ۱، ۱۳۸۵)، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۲۰۰۴ آغاز تا ۲۰۱۲ ادامه یافت، مشاهده کرد^{۲۲}.

۴.۲. همگانی بودن آموزش

همگانی بودن آموزش و پرورش در اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌خوبی از نصّ صریحی که مقرر می‌دارد: «دولت...آموزش و پرورش...را برای همه ملت...فراهم سازد...» مستفاد می‌شود که حق آموزش و پرورش برای تک‌تک افراد فارغ از اینکه از چه جنسیت یا مذهب و عقیده‌ای باشند به‌رسمیت شناخته شده است؛ لذا همه افراد حق بهره‌مندی از این حقوق انسانی و ذاتی خویش را دارند. از دیگر بندها^{۲۳} و اصول قانون اساسی^{۲۴} نیز می‌توان حق برابر همه شهروندان در بهره‌مندی از آموزش عالی را احراز کرد.

۵.۲. اجباری بودن آموزش

در خصوص الزامی ساختن آموزش و پرورش در اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سعی برخی از واضعان قانون اساسی بر این بوده که با دقت نظر به وضع کشور که حاکی از بی‌سوادی و کم‌سوادی است و با ملاحظه تجربه سایر کشورها در زمینه رفع این مشکل، آموزش و پرورش را حداقل تا پایان دوره راهنمایی اجباری کنند. چون ممکن است مردم از این حق خویش غافل باشند و به دلیل مشکلات مالی نخواهند حقوق خودشان را مطالبه نمایند. در پاسخ به ادعای یادشده، نایب رئیس جلسه اذعان می‌کند که اجباری ساختن آموزش و پرورش مشکل را حل نمی‌کند، بلکه باید انگیزه وجود داشته باشد. اما مخالفتی که از سوی یکی دیگر از اعضا (سید رضا اکرمی) در مقابل نایب رئیس به دلیل استدلالشان به‌عمل می‌آید این بود که ممکن است خانواده‌ها با استفاده از آزادی، اطفال خود را وادار به تحصیل نکنند. نماینده یادشده در ادامه استدلالش با استناد به اینکه شغل خود ایشان هم معلمی است، لازم و ضروری می‌بیند که تا مقطعی، مسئله اجباری بودن آموزش باید وجود داشته باشد. اما نایب رئیس با این استدلال که اجبار کودک شش ساله معنی ندارد، جایگاهی برای اجباری بودن آموزش در اصل سی‌ام قائل

۲۲. نیکا گیلانوری، اقتصاد در میدان عمل (دگرگونی اقتصادی و اصلاح دولت در گرجستان از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲)، ترجمه امیرحسین

چیت‌ساززاده، مهدی نادری و میثم یوسفی، (تهران: امین‌الضرب، ۱۳۹۹)، ص ۲۲۴-۲۳۶.

۲۳. بند دوم اصل سوم و بند ششم اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸.

۲۴. همان، اصل نوزدهم و بیستم.

نمی شود و به نظر به قوانین عادی واگذار می نماید.^{۲۵} اما باید در نظر می داشت که قید اجباری بودن در اصل سی ام می توانست این تکلیف را متوجه اولیای کودکان سازد تا آنان اهتمام ویژه ای نسبت به تحصیل کودکان داشته باشند و در مواردی که اولیای دانش آموزان به دلیل برخی تعصبات قومی، فرهنگی و عقاید سنتی یا هر دلیل دیگری مانع تحصیل فرزندان و به خصوص فرزندان دختر خود می شوند، اجبار می تواند مفید باشد.

اجباری بودن آموزش در قوانین عادی کشور نیز به نوعی منعکس گردیده است. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، نوعی حمایت برای کودکان و جوانان مقرر داشته است که از آن اجباری بودن آموزش متبادر به ذهن می شود. قانون یادشده مقرر می دارد که «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می گردد».^{۲۶} همان طور که ملاحظه شد اگر شخصی از تحصیل فرزندان خود ممانعتی به عمل بیاورد مجازات قانونی برایش در نظر گرفته شده است که این ماده قانونی به طور غیرمستقیم خانواده ها را به این امر مکلف و مجبور می کند که نه تنها نمی توانند مانع از تحصیل کودکان شوند، بلکه لازم است برای بهره مندی آنان از این حق بشری تمام توان خود را به کار گیرند. همچنین از عبارت «زیر پوشش قرار دادن کلیه کودکان لازم التعلیم» مندرج در قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش، می توان اجباری بودن آموزش های عمومی و پایه را نیز استنباط نمود.^{۲۷} آموزش اجباری به عنوان یکی از مجازات های تکمیلی در قانون مجازات اسلامی نیز قید شده است که در موارد پانزده گانه مجازات های تکمیلی دیده می شود. این قانون مقرر می دارد: «دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی زیر محکوم نماید: ... ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین، ژ- الزام به تحصیل».^{۲۸}

۲۵. صورت مشروح مذاکرات، پیشین، ص ۷۸۸-۷۸۹.

۲۶. ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵.

۲۷. ماده ۵۲ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶/۱۱/۲۵.

۲۸. ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱.

۳. تأسیس و ایجاد مدارس غیرانتفاعی

تأسیس مدارس غیرانتفاعی یکی از زمینه‌های خصوصی‌سازی آموزش و پرورش است. این امر هرچند به رشد افزایشی آموزش و پرورش می‌انجامد و شرایط خوبی برای پاسخگویی به تقاضاهای بیشتر داوطلبان فراهم می‌کند، اما آثار و تبعات منفی نیز برجای می‌گذارد. از پیامدهای منفی خصوصی‌سازی، افزایش فشار اقتصادی به طبقات متوسط و ضعیف جامعه است که منجر به طبقاتی شدن آموزش و پرورش به نفع طبقات مرفه جامعه و کاهش کیفیت آموزش در مدارس دولتی می‌شود.^{۲۹} در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸، تحصیل در آموزش و پرورش به موجب اصل سی‌ام قانون اساسی رایگان اعلام شده است؛ اما به سبب کثرت هزینه‌های آموزش و پرورش و محدودیت امکانات دولتی، توسل به جلب مشارکت عمومی و مردمی مورد توجه قرار گرفته است که حاصل این جریان فکری، زمینه‌ای برای تصویب قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی با ۲۱ ماده و ۱۵ تبصره در پنجم خرداد ۱۳۶۷ شد. به موجب ماده یک این قانون، مدارس غیرانتفاعی مدرسی هستند که از طریق مشارکت‌های مردمی و مطابق اهداف، ضوابط، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های عمومی وزارت آموزش و پرورش تحت نظارت آن وزارتخانه احداث و اداره می‌شوند. پرداخت شهریه تحصیلی از جمله شروط اولیه برای ورود به مدارس غیرانتفاعی است.

۱.۳. دلایل ایجاد مؤسسات آموزشی خصوصی

گسترده‌گی تعهداتی که طبق بندهای اصل سوم و اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران راجع به امر آموزش و پرورش برعهده دولت گذارده شده، دولت را ناگزیر به اذعان به ناتوانی خویش در ایفای این تعهدات کرده و مسئولان وقت را به فکر واداشته است تا چاره‌ای بیندیشند. در زمان تصویب قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی در سال ۱۳۶۷، به دلیل محدودیت منابع مالی آموزش و پرورش که ناشی از افزایش جمعیت دانش‌آموزان و تورم ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی با عراق و کاهش درآمد دولت بود، درصدد جلب منابع مالی از جانب مردم در امر آموزش و پرورش برآمدند. بنابراین، مطابق این امر، مدارس غیرانتفاعی با پذیرش مسئولیت

۲۹. مریم سادات قریشی خوراسگانی و همکاران، «تحلیلی بر مطالعات انجام‌شده در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی»، سیاست علم و فناوری، ش ۱ (۱۳۹۵)، ص ۷۸.

آموزش فرزندان خانواده‌هایی که توان پرداخت هزینه‌های آموزشی را دارند، می‌توانستند بخشی از هزینه‌های مالی را از دوش آموزش و پرورش بردارند. دولت نیز در آن شرایط قادر بود امکانات مالی آزادشده را در خدمت آموزش و پرورش دانش‌آموزان طبقات متوسط و کم‌درآمد جامعه به کار گرفته، از این طریق سطح آموزش و پرورش کل فرزندان کشور را بالا ببرد. اما باید گفته شود که شرایط اقتصادی مقطعی کشور نمی‌تواند دلیلی بر نادیده گرفتن عدالت اجتماعی در تعلیم و تربیت باشد که آثار آن تا سال‌ها بر جای می‌ماند. بعضی نیز راهکاری دیگری برای جبران نابرابری پیشنهاد داده و بیان داشته‌اند که اگر هدف از تأسیس این مدارس، ارتقای سطح دانش‌آموزان محروم است، می‌توان با شناسایی خانواده‌های ثروتمند و أخذ شهریه از آنان، فرزندان آنان را در مدارس دولتی جای داد.^{۳۰} بنابراین در زمان وضع قوانین و أخذ تصمیمات از سوی مقامات و مسئولان یک کشور، باید همه اصول و بندهای قانون اساسی، اهداف نظام حاکم، انتظارات مشروع مردم از وعده‌های دولت و پیامدهای آتی قانون یا تصمیمات حکومتی در نظر گرفته شده، با دقت نظر بیشتری قواعد و مقررات و تصمیماتی أخذ شود تا موجب آسیب به اقشاری از جامعه نشده، قانون به جای هنجارسازی، کارکرد ناهنجارسازی نداشته باشد.

۲.۳. مغایرت یا مطابقت خصوصی سازی آموزش و پرورش با اصول قانون اساسی

یکی از علل وقوع انقلاب اسلامی در ایران، برقراری و اجرای عدالت و مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است. از این رو، بعد از انقلاب اسلامی ایران، همه تلاش‌ها و برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران در راستای تأمین و توسعه عدالت و حذف اختلافات طبقاتی متمرکز شد.^{۳۱} با وجود این، اگر سطح کیفی و امکانات مدارس دولتی و خصوصی برابر نباشد، تأسیس مدارس خصوصی موجب تبعیض خواهد بود، زیرا فقدان توانایی مالی باعث محرومیت برخی از شهروندانی که به ناچار در مدارس دولتی تحصیل می‌کنند در بهره‌مندی از سطح آموزش مدارس می‌شود. در مقابل، فرزندان خانواده‌های متمول به دلیل ارائه آموزش‌های باکیفیت و تجهیز این مدارس به امکانات آموزشی بیشتر، در این گونه مدارس ثبت نام نموده، تحصیل

۳۰. بهبود باری‌قلی، «بررسی فلسفه ایجاد مدارس غیرانتفاعی و سازگاری آن با عدالت تربیتی از منظر متخصصان تعلیم و تربیت. رویکرد هرمنوتیکی»، مبانی تعلیم و تربیت، ش ۱ (۱۳۹۲)، ص ۲۰۰-۲۰۱.

۳۱. حجت صفارحیدری و رزا حسین‌نژاد، «رویکردهای عدالت آموزشی، نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران»، مبانی تعلیم و تربیت، ش ۱ (۱۳۹۳)، ص ۵۱.

می‌کنند و به تبع آن به توانایی بیشتری نسبت به دانش‌آموزان مدارس دولتی دست می‌یابند. این دانش‌آموزان در راهیابی به دانشگاه‌ها و مشاغل دولتی نیز در اولویت قرار می‌گیرند و در نتیجه آشکارا تبعیض به‌وجود می‌آید.

بنابراین در این خصوص باید گفت که اگر مدارس دولتی و غیردولتی برنامه‌های آموزشی یکسانی اعم از برخورداری از معلمان برجسته و باسواد، ارائه کتاب‌های کمک‌درسی، کتاب‌های کار و تمرین، فضا و شرایط مناسب تحصیلی یکسانی نداشته باشند، چون در راه‌یافتن دانش‌آموزان به دانشگاه تبعیض به‌وجود می‌آید، خلاف قانون اساسی است.^{۳۲} اگرچه وجود مدارس خصوصی با آزادی آموزش و پرورش توجیه‌پذیر است، اما در باب آزادی خانواده‌ها در انتخاب آموزش فرزندان‌شان نیز برای اینکه تبعیضی رخ ندهد دولت موظف است تا اگر خانواده‌ای توان مالی برای تحصیل فرزندانش در مؤسسات خصوصی را نداشته باشد، هزینه‌های آموزشی را پرداخت نماید. در چنین شرایطی هیچ‌گونه تبعیضی به‌وجود نمی‌آید و عدالت آموزشی کاملاً در سطح کشور برقرار می‌شود.^{۳۳} وجه اشتراکی که در بررسی قوانین و اسناد نظام آموزشی و قانون اساسی کشور ملاحظه می‌شود حق دسترسی برابر کلیه دانش‌آموزان به امکانات آموزشی و تعلیم و تربیت است و هیچ مزیت اجتماعی و اقتصادی نمی‌تواند نافی و ناقض این برابری در دسترسی به آموزش و پرورش یکسان باشد. حال آنکه مدارس غیرانتفاعی در فرضی که پیش از این بیان شد، با این اصل در تضاد هستند؛^{۳۴} چراکه مزیت اقتصادی خانواده‌ها مهم‌ترین شرط ثبت نام و ورود به این مدارس است که نوعی انحصار در آموزش را در پی دارد. نابرابری‌ها عموماً با عواملی مانند معلولیت، مذهب، قومیت، ثروت، منطقه، محل سکونت و جنسیت ارتباط دارد؛ هرچند که اینها عواملی هستند که به‌روشنی و به‌طور گسترده در نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه تأثیرگذارند.^{۳۵} چنانچه سیاست‌گذاری‌های آموزش و پرورش جنبه‌های مالی داشته باشد و مانعی برای افراد ملت در دستیابی برابر به خدمات عمومی ایجاد کند، سیاست‌گذاری درستی

۳۲. یحیی یثربی، «توضیحی دربارهٔ مخالفت با تبعیض آموزشی»، (۱۳۹۶/۰۷/۱۷)، مندرج در:

<http://yasrebi.org/fa/Day_Notes/show/00143>

۳۳. باقر انصاری، پیشین، ص ۱۹۲.

۳۴. بهبود یاری قلی، پیشین، ص ۲۰۱.

35. Jorman, Reem & Helen Murray, "Education Justice in the Middle East and North Africa", Open Society Foundations, (New York, 2007), p. 110.

نخواهد بود و نارضایتی مردم را در پی خواهد داشت. بنابراین، تأسیس مدارس غیرانتفاعی در صورتی که دسترسی کلیه اتباع کشور به آن میسر نباشد و آموزش‌های ارائه‌شده در مدارس دولتی تفاوت فاحشی با مدارس غیردولتی داشته باشد، مخالف با روح قانون اساسی و آرمان انقلاب اسلامی در ازین بردن تبعیض، اختلافات طبقاتی و اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

۴. واکاوی نظر شورای نگهبان نسبت به انطباق قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مصوب ۱۳۶۷ با اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

وزیر آموزش و پرورش وقت طی استعلامی خطاب به شورای نگهبان اظهار داشت: نهاد محترم شورای نگهبان، لطفاً نظراتان را با توجه به اصل سی‌ام قانون اساسی در خصوص تأمین وسایل آموزش و پرورش رایگان از سوی دولت، در تعیین مصادیق وسایل آموزش و پرورش توضیحات لازم را جهت رفع ابهامات ابلاغ بفرمایید. شورای نگهبان در جواب استعلام نخست‌وزیر و وزیر آموزش و پرورش، اعلام کرد: «اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸، و بعضی اصول مشابه آن، مسیر سیاست کلی نظام را تعیین می‌کند و منظور در اصل سی‌ام، این است که دولت امکاناتی را که هر زمان مطابق با قدرت و توانایی اقتصادی کشور در اختیار دارد در کل رشته‌هایی که در قانون اساسی پیشنهاد شده است به‌طور متعادل بین آنان مطابق با قانون توزیع نماید. بنابراین، آموزش رایگان در حد امکان کلاً یا بعضاً بایستی فراهم شود و در صورت عدم امکانات کلی، دولت با رعایت اولویت‌ها و با ترجیح دادن کم‌درآمدها بر دیگر افراد جامعه اقدام می‌نماید. همچنین لازم به تذکر است که مستفاد از اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸، دولتی بودن آموزش و پرورش و همچنین ممنوعیت تأسیس مدارس خصوصی و دانشگاه‌های غیردولتی و آزاد به‌موجب قوانین عادی نمی‌باشد. علی‌هذا تا زمانی که دولت از توانایی و امکانات فراهم کردن وسایل آموزش و پرورش رایگان برخوردار نباشد عمل به مصوبه شورای انقلاب فرهنگی جهت اخذ شهریه از دانشجویان،

مغایر با قانون اساسی در ارتباط با رایگان بودن آموزش و پرورش نمی‌باشد»^{۳۶}.

درخواست پاسخ و توضیحات دیگری از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص اصل سی‌ام قانون اساسی نیز وجود دارد که در این درخواست، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۶۴ اعلام می‌کند که با عنایت بر این امر که این شورا در مورد اخذ شهریه از دانشجویانی که توانایی مالی برای پرداخت شهریه دارند نظر مساعد داشته است، لیکن چون این مسئله با اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ارتباط دارد به همین سبب در جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر گردید که قبل از اخذ تصمیم در این مورد، نظر شورای محترم نگهبان استفسار شود. شورای نگهبان در پاسخ به این استعلام مقرر می‌دارد که با توجه به اینکه از اصل سی‌ام قانون اساسی، دولتی بودن آموزش و پرورش و ممنوعیت تأسیس مدارس خصوصی و دانشگاه‌های غیردولتی و آزاد استفاده نمی‌شود، لذا اگر تأسیس مدارس آموزشگاه‌های غیردولتی در کشور آزاد اعلام شود، اضطراب دولت به دریافت شهریه برطرف می‌گردد و چنانچه با تأسیس مدارس غیردولتی رفع اضطراب نشود، تفسیر قانون اساسی قابل بررسی خواهد بود.^{۳۷} بدین‌سان با تفسیر شورای نگهبان از اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران زمینه تأسیس مدارس غیردولتی فراهم شد و در نهایت قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی در سال ۱۳۶۷ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. با تصویب این قانون راه توسعه مدارس خصوصی در آموزش و پرورش کشور فراهم شد.

در یک قانون اساسی مطلوب باید به ارتقای سطح زندگی مردم از جمله اقشار فقیر و محروم جامعه، کاهش تفاوت و تبعیضات در جهت تأمین عدالت و فرصت‌های برابر برای همه افراد یک کشور در دستیابی به منابع، تسهیلات و خدمات و امکانات کشور توجه شود؛ گرچه تأسیس مدارس خصوصی و غیرانتفاعی جنبه مثبت هم دارد و به دولت در کاهش هزینه‌ها کمک کرده، در رشد و توسعه کشور نیز می‌تواند نقش قابل توجهی داشته باشد. اما اگر توسعه کشور به بهای افزایش نابرابری‌ها، لطمه زدن به توانمندسازی و رشد تبعیض محقق گردد، وجود این امر منجر

۳۶. محمدرضا مؤذیان، مجموعه نظریات شورای نگهبان، (تهران: مرکز تحقیقات شورای نگهبان، چ ۱، ۱۳۸۱)، نظریه تفسیری شماره ۱۵۴۳ مورخ ۱۳۶۳/۵/۱۷ شورای نگهبان.

۳۷. همان، نظریه تفسیری شماره ۵۵۷۸ مورخ ۱۳۶۵/۰۲/۱۶ شورای نگهبان در خصوص استعلام دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی.

به تنش و منازعه، نارضایتی، عدم تحمل، عدم اعتماد و همکاری مردم در سطح ملی نسبت به حکومت را در پی خواهد داشت.^{۳۸} تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تقسیم‌ناپذیر و وابسته به یکدیگرند^{۳۹} و «دولت‌ها می‌باید در سطح ملی همه اقدامات لازم برای تحقق حق توسعه را اتخاذ نمایند و به‌ویژه برابری فرصت‌ها برای همه در دستیابی به منابع پایه، آموزش، خدمات بهداشتی، غذا، مسکن، کار و تقسیم عادلانه درآمد را تضمین کنند».^{۴۰}

خصوصی‌سازی آموزش و پرورش در کشورهای همچون ایران به علت وجود عقاید مذهبی با بحران‌هایی مواجه است که مهم‌ترین آنها توجه به عدالت اجتماعی و عدالت آموزشی، در دسترس بودن آموزش، برابری آموزشی و طبقاتی نشدن آموزش و سلطه طبقاتی است.^{۴۱} بنابراین از آنجایی که تأسیس مدارس غیرانتفاعی و اداره و تأمین منابع مالی آن، از محل دریافت شهریه‌های تحصیلی از اولیای دانش‌آموزان این مدارس است، قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مصوب ۵ خرداد ۱۳۶۷ با ایجاد این‌گونه مدارس در صورتی که در کنار آن، آموزش و پرورش رایگان و برابر برای همه مهیا نباشد، اصل صریح رایگان بودن آموزش و پرورش را نادیده انگاشته است. از طرف دیگر در صورت عدم تأمین آموزش و پرورش رایگان برای عموم مردم در سطح کیفی برابر با بخش خصوصی در کنار مدارس غیرانتفاعی، وجود این مؤسسات خصوصی و به‌ظاهر غیرانتفاعی، ناقض اهدافی خواهد بود که جمهوری اسلامی ایران سرمشق خود قرار داده است. به همین دلیل است که در جای‌جای مقدمه و بندها و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هرگونه بی‌عدالتی و تبعیضی که به ایجاد و افزایش اختلافات طبقاتی و سلطه اقشار قدرتمند بر اقشار ضعیف جامعه منجر شود، نفی شده است. در کنار آن، اصول بسیاری از قانون، تساوی همگان در برخورداری از کلیه امکانات کشور را مورد تأکید قرار داده که به شکل قانونی و لازم‌الاجرا مکتوب شده است. با وجود مدارس غیرانتفاعی و به‌رغم مزایای آن، دولت نمی‌تواند مردم را در مضیقه قرار داده، راه‌های موفقیت و کرسی‌های اشتغال را برای عده‌ای از

۳۸. نصرالله فلسفی، حق بر آموزش در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران، (تهران: جنگل، چ ۱، ۱۳۹۵)، ص ۱۶-۲۹.

۳۹. بند ۲ ماده ۶ اعلامیه حق توسعه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مصوب ۱۹۸۶.

۴۰. همان، بند ۱ ماده ۸.

۴۱. علی ربیعی و زهرا نظریان، «موانع خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران و ارائه راهکارهایی جهت رفع آنها»، انجمن آموزش عالی ایران، ش ۲ (۱۳۹۱)، ص ۱۹۸.

مردم هموار ساخته، باقی مردم را محروم کند. لذا در کنار آموزش و پرورش خصوصی، باید آموزش و پرورش دولتی و رایگان با همان سطح کیفی و با همان اندازه از امکانات فراهم شود تا مردم بسته به تمایل خود قادر به انتخاب هریک از دو نوع آموزش دولتی و خصوصی باشند؛ یا اینکه دولت از طریق پرداخت یارانه مستقیم آموزشی - نظیر آنچه در کشور گرجستان میان سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲ اتفاق افتاده است - امکان تحصیل افرادی را که تمایل به تحصیل در مدارس غیردولتی دارند، فراهم سازد.

در حال حاضر مدارس غیرانتفاعی و در معنای اعم آن، مؤسسات آموزشی خصوصی، زمینه‌های اختلافات و سلطه طبقاتی را در عمل ایجاد کرده و باعث چندین نوع محرومیت برای اقشار کثیری از جامعه شده‌اند؛ چراکه اولاً به دلایل نداشتن استطاعت مالی و عدم توانایی در فراهم نمودن شهریه‌های سنگین این‌گونه مؤسسات از سوی خانواده‌های کم‌درآمد، باعث شده است که در مرحله اول فرزندان این قبیل خانواده‌ها از تحصیل و بهره‌مندی از فضاهای بهتر آموزشی محروم بمانند و با مشاهده تحصیل افراد ثروتمند در این مؤسسات خصوصی، نوعی دلسردی و ناکامی در آنان ایجاد شود. محرومیت بعدی که در انتظار این افراد است هنگام آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها است. دانش‌آموزانی که با شرایط بهتری اعم از امکانات آموزشی باکیفیت و برخورداری از معلمان برجسته و باسواد تحصیل کرده‌اند طبیعتاً در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نیز موفق‌تر هستند و از آنجایی که شرایط یکسانی نداشته‌اند رقابت سالمی میان دانش‌آموزان مدارس دولتی با مدارس خصوصی برقرار نشده است. این امر به محرومیت افراد در ورود به دانشگاه‌ها و کسب تحصیلات عالی منجر می‌شود؛ درحالی که قانون‌گذار با الهام از آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی، در بندهای نهم و دوازدهم اصل سوم قانون اساسی، دولت را به رفع تبعیضات ناروا، رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت موظف نموده است. وجود اختلافات طبقاتی موجب ناآرامی و سلب اعتماد و اطمینان جامعه می‌شود. در چنین شرایطی جامعه دچار برخی مسائل و آسیب‌های اجتماعی می‌گردد. بنابراین، کلیه کودکان نیز در هر مکانی از کشور باید در دسترسی به امکانات آموزشی و بهره‌مندی از معلمان کارآمد، در شرایط برابری تحصیل کرده، معیار پیشرفت، موفقیت و پیروزی هر دانش‌آموز و دانشجو، استعداد و تلاش وی باشد. در چنین شرایطی است که عدالت برقرار شده، تبعیضی به‌وجود نخواهد آمد. در نتیجه، استعدادهای برتر و باانگیزه وارد آموزش عالی شده، با فراغت ذهنی آسوده‌ای از برقراری عدالت،

به تحقیق و بررسی می‌پردازند و در آینده می‌توانند به پیشرفت کشور کمک شایانی نمایند.

در تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۹۴ لایحه‌ای تحت عنوان «تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی» در جلسه هیئت وزیران به تصویب رسید. این لایحه برای طی تشریفات قانونی، با مقدمه توجیهی ضرورت مشارکت بخش غیردولتی در امر آموزش و پرورش، صرفه‌جویی مالی، کاهش تصدی‌گری دولت در زمینه آموزش و پرورش و ارتقای کیفی آموزشی مدارس تقدیم مجلس گردید که در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۵ با اصلاحاتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و طبق معمول در راستای اصل ۹۴ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال گردید. در این باره مجمع مشورتی حقوقی اظهار نظر کرده که اولاً در خصوص این موضوع «قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی ۱۳۶۷/۰۳/۰۵ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات و الحاقات بعدی ۱۳۸۷/۰۵/۰۶» حاکم است که به مدت ۵ سال به‌طور آزمایشی اجرا و یکسال تمدید شد تا اینکه در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۹۳ مجدداً «لایحه قانون تمدید مهلت اجرای آزمایشی از سوی دولت به مجلس» ارائه شد و به صورت دائمی در مجلس تصویب شد که در شورای نگهبان مغایر اصل ۷۴ قانون اساسی شناخته شد. اکنون دولت با رفع ایراد شورای نگهبان و براساس اینکه قوانین سابق و از جمله قانون آزمایشی که مدت آن خاتمه‌یافته نیز نسخ می‌شوند، این لایحه جدید را ارائه نموده است. یکی از ایرادات وارده شورای نگهبان به لایحه یادشده، تعیین نکردن میزان و حدود تشکیل مدارس غیرانتفاعی و جایگزینی آنها با مدارس دولتی بود. به تعبیر دیگر، منظور این لایحه از توسعه مشارکت‌های مردمی مشخص نیست و ظاهراً به‌جای توسعه مشارکت‌های مردمی، توسعه خصوصی‌سازی مدارس مطرح است^{۴۲} که این مسئله با تقویت و توجه بیشتر به مدارس دولتی مغایرت دارد. دولت نیز در راستای اصلاحات مورد درخواست شورای نگهبان، عبارت «تأکید بر ارتقای کمی و کیفی مدارس دولتی» را بر ماده یک اضافه کرده است تا بتواند نظر شورای نگهبان را جلب کند. اما همچنان منظور از مشارکت مردم در امر «آموزش و پرورش» که یکی از وظایف حاکمیتی و ذاتی دولت است، مشخص نشد. از طرف دیگر، تسهیلات و امتیازاتی که در مواد دهم، یازدهم و دوازدهم قانون یادشده برای مدارس غیرانتفاعی مقرر شده است، می‌توانستند آن تسهیلات و امتیازات را به تقویت مدارس دولتی

۴۲. نظریه شورای نگهبان، عطف به نامه شماره ۶۳۳/۱۲۵۴۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۱ و پیرو نامه شماره ۹۵/۱۰۲/۷۱۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۰.

اختصاص دهند تا گامی در جهت اجرای عدالت آموزشی در کشور نیز برداشته باشند. با این حال، این قانون پس از چهار مرحله رد در شورای نگهبان و رفع ایرادات آن از سوی دولت، تحت عنوان «قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی»^{۴۳} صورت نهایی یافت. شورای نگهبان در تصویب قانون جدید تأسیس مدارس غیردولتی، به مدارس دولتی توجه کرده، بر اهتمام بیشتر دولت بر مدارس دولتی و ارتقای کیفیت آموزشی مدارس دولتی تأکید داشت که دولت نیز در اصلاحیه لایحه تقدیمی، تغییراتی جزئی برای أخذ تأییدیه مجدد شورای نگهبان اعمال کرد. اما در تغییرات حاصله در لایحه پیش گفته از جانب دولت، توجه و برنامه‌های ویژه‌ای برای کیفیت و ارتقای مدارس دولتی در نظر گرفته نشد. بنابراین، نظر تفسیری شورای نگهبان را نمی‌توان سازگار با مصرحات و روح قانون اساسی دانست.

نتیجه

مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه افراد ملت به‌طور یکسان از حقوق مساوی از جمله حق بر آموزش برخوردارند. در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز طبق بند سوم از اصل سوم، اصل سی‌ام و بند یک از اصل چهل و سوم قانون اساسی، دولت مکلف به تأمین آموزش برای ملت شده است. این مسئله در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی گفته شده است که دولتی بودن مدارس در اصل سی‌ام، به معنای نفی تأسیس مدارس ملی نیست. اما دلایل شورای نگهبان در تأیید قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی به این شرح است که اصل سی‌ام و دیگر اصول مشابه، مسیر سیاست‌های کلی نظام را تعیین می‌کنند و آموزش و پرورش رایگان باید به‌طور کلی یا جزئی فراهم شود و در صورت عدم امکانات کافی، با اولویت اقشار کم‌درآمد، آموزش رایگان تأمین شود. در ظاهر به نظر می‌رسد، قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مصوب ۱۳۶۷ با اصل سی‌ام قانون اساسی مغایر باشد و استدلال شورای نگهبان موجه و کافی نیست، زیرا قانون اساسی در اصول خود بر دسترسی یکسان کلیه شهروندان به تمامی حقوق خود تأکید و آن را جزء اهداف نظام قرار داده است. بنابراین با توجه به اینکه شرط بهره‌مندی از مدارس خصوصی، توانایی مالی خانواده‌ها است و امکان دارد اقشار کم‌درآمد جامعه به دلیل عدم استطاعت مالی، از دسترسی به این نوع مدارس محروم بمانند و این مدارس تنها در اختیار

۴۳. قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی مصوب ۱۳۹۵/۰۹/۱۴.

خانواده‌های متمول قرار گیرد و فرزندان آنان به دلیل بهره‌مندی از امکانات بیشتر و سطح کیفی آموزشی بهتر در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها امکان پذیرش بیشتری داشته باشند؛ بنابراین، در وهله اول، اصل برابری در دسترسی به حقوق عمومی نقض می‌شود و در وهله دوم تبعیضات آموزشی که زمینه‌ساز سایر تبعیضات است، دامن‌گیر جامعه می‌گردد. خصوصی‌سازی آموزش آثاری چون نابرابری‌های اجتماعی، طبقاتی شدن آموزش، نابرابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی، پایین آمدن سطح کیفی مدارس دولتی، انگیزه‌های سودجویانه، عدم اعتماد به نفس در فرزندان کشور برای کسب موفقیت، افزایش بیکاری و در نهایت حاکمیت طبقات ثروتمند جامعه بر اقشار کم‌درآمد و محروم را می‌تواند در پی داشته باشد. به همین دلیل دولت باید در زمینه آموزش و پرورش به‌طور جدی ورود داشته، حضور پیدا کند؛ چراکه آموزش و پرورش ارتباط عمیقی با فقر و رفاه دارد و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در خانواده‌ها نتیجه تبعیض در بهره‌مندی از امکانات آموزشی است.

به‌طور خلاصه می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که تأسیس مدارس غیرانتفاعی و خصوصی در کشور در ذات و اصل خود مغایرت خاصی با قانون اساسی ندارد و حتی تأمین‌کننده آزادی شکلی آموزش^{۴۴} است، ولی آنچه در عمل اجرایی می‌شود، درواقع ایجاد نابرابری در آموزش بین اشخاص با تمول مالی کافی و افراد فاقد مکنت مالی است که بایستی روند اجرای آن نیز اصلاح گردد تا نقض برابری شهروندان و رایگان بودن آموزش اتفاق نیفتد. به این منظور دو راهکار اساسی می‌تواند وجود داشته باشد؛ نخست اینکه در کنار مدارس غیردولتی و خصوصی، مدارس دولتی در همان سطح کیفی و امکانات به صورت رایگان در اختیار مردم قرار گیرد و مردم بسته به وسع و توان مالی و با اختیار کامل یکی از دو روش آموزشی را انتخاب نمایند. در این صورت، نظارت دولت اساسی است تا هر دو نوع آموزش دولتی و خصوصی در یک سطح از نظر امکانات و سطح کیفی آموزشی برای شهروندان ارائه گردد. دومین روش این است که یارانه آموزشی به صورت مستقیم به والدین پرداخت شود و آنان با اختیار خویش فرزندان خود را در مراکز آموزشی دولتی یا خصوصی ثبت نام نمایند و این یارانه دریافت‌شده از دولت را به آن مرکز آموزشی

۴۴. در مقابل آزادی محتوای آموزشی مدنظر است که آزادی شکلی آموزش فراهم می‌شود و اگر والدین بتوانند برخی از دروس و آموزش‌های ارائه‌شده را انتخاب نمایند، آزادی محتوای آموزشی نیز تأمین می‌گردد.

پرداخت نمایند. در این صورت، هم آزادی آموزش فراهم خواهد شد و هم امکان آموزش رایگان نیز برای دانش‌آموزان مهیا می‌گردد. این امر با اصول قانون اساسی در فراهم کردن آموزش رایگان و آزادی آموزش انطباق کامل دارد و در واقع هر دو هدف اساسی مد نظر قانون‌گذاران اساسی سال ۱۳۵۸ کشور است.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- کتاب‌ها

۱. ارسطو (۱۳۴۹). *سیاست*، ترجمه حمید عنایت، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲. انصاری، باقر (۱۳۹۳). *حق آموزش حق کودک به آموزش در نظام بین المللی حقوق بشر*، تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
۳. بی‌نا (۱۳۶۴). *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
۴. بی‌نا (۱۳۸۶-۱۳۸۹). *مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۵. فلسفی، نصرت‌الله (۱۳۹۵). *حق بر آموزش در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران*، تهران: جنگل.
۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *مقدمه علم حقوق*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۷. گیلانوری، نیکا (۱۳۹۹). *اقتصاد در میدان عمل (دگرگونی اقتصادی و اصلاح دولت در گرجستان از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲)*، ترجمه امیرحسین چیت‌ساززاده، مهدی نادری و میثم یوسفی، تهران: امین‌الضرب.
۸. مهرپور، حسین (۱۳۸۵). *رئیس جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی*، تهران: اطلاعات.
۹. مؤذنیان، محمدرضا (۱۳۸۱). *مجموعه نظریات شورای نگهبان (تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه‌ها و تذکرات ۱۳۸۰-۱۳۵۹)*، تهران: مرکز تحقیقات شورای نگهبان.

- مقالات

۱۰. ربیعی، علی و نظریان، زهرا (۱۳۹۱). موانع خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران و ارائه راهکارهایی جهت رفع آنها، *انجمن آموزش عالی ایران*، ۴(۲)، ۱۷۱-۲۰۶.

۱۱. سروش، محمد (۱۳۸۶)، مسئولیت حکومت اسلامی در آموزش و پرورش رسمی، *تربیت اسلامی*، ۳ (۵)، ۸۰-۵۵.
۱۲. صفار حیدری، حجت و حسین نژاد، رزا (۱۳۹۳). رویکردهای عدالت آموزشی، نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران، *مبانی تعلیم و تربیت*، ۴ (۱)، ۴۹-۷۲
Doi: 10.22067/FE.V4I1.23696
۱۳. قریشی خوراسگانی، مریم سادات؛ یمنی دوزی سرخابی، محمد؛ ذاکر صالحی، غلامرضا و مهران، گلنار (۱۳۹۵). تحلیلی بر مطالعات انجام شده در زمینه خصوصی سازی آموزش عالی، *سیاست علم و فناوری*، ۹ (۱)، ۷۷-۹۰.
Doi: 20.1001.1.20080840.1395.9.1.7.9
۱۴. کریمی، عباس و چلبی، آزاده (۱۳۸۷). معرفی و بسط نظریه تحلیلی هوفلد از حق و کاربرد آن در زمینه حقوق کودک، *حقوق خصوصی*، ۳۸ (۳)، ۲۱۱-۲۳۱.
Doi: 20.1001.1.25885618.1387.38.3.11.2
۱۵. دارایی، علی؛ مشهدی، علی؛ قارلقی، صدیقه (۱۴۰۰). تأملی بر مفهوم برابری در اندیشه خبرگان قانون اساسی (۱۳۵۸)، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۲ (۲۵)، ۱۰۷-۱۳۳.
Doi: 10.22034/LAW.2022.42144.2732
۱۶. رضایی زاده محمدجواد و کاظمی، داود (۱۳۹۱). *بازشناسی نظریه «خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۳ (۵)، ۲۳-۴۶.
۱۷. هاشمیان، فخرالسادات؛ زندیان، هادی و آقامحمدی، جواد (۱۳۹۴). تحلیل مشارکت بخش خصوصی در نظام آموزش و پرورش، *سیاست های راهبردی و کلان*، ۳ (۱۲)، ۱-۲۶.
۱۸. یاری قلی، بهبود (۱۳۹۲). بررسی فلسفه ایجاد مدارس غیرانتفاعی و سازگاری آن با عدالت تربیتی از منظر متخصصان تعلیم و تربیت: رویکرد هرمنوتیکی، *مبانی تعلیم و تربیت*، ۳ (۲)، ۱۹۵-۲۱۰.
Doi: 10.22067/FE.V3I2.23436
۱۹. یثربی، یحیی (۱۳۹۶). توضیحی درباره مخالفت با تبعیض آموزشی، تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۰۷/۱۷، مندرج در:
http://yasrebi.org/fa/Day_Notes/show/00143 (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۰۲/۱۵).

- قوانین و مقررات

۲۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۰۸/۲۴ مجلس بررسی نهائی قانون اساسی و ۱۳۵۸/۰۹/۱۲ با اصلاحات ۱۳۶۸
۲۱. قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶/۱۱/۲۵
۲۲. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۰۹/۲۵
۲۳. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱
۲۴. اعلامیه حق توسعهٔ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۸۶

(ب) منابع انگلیسی**- Book**

25. Reem Jorman and Helen Murray (2007). *Education Justice in the Middle East and North Africa*, **Open Society Foundations**, New York.